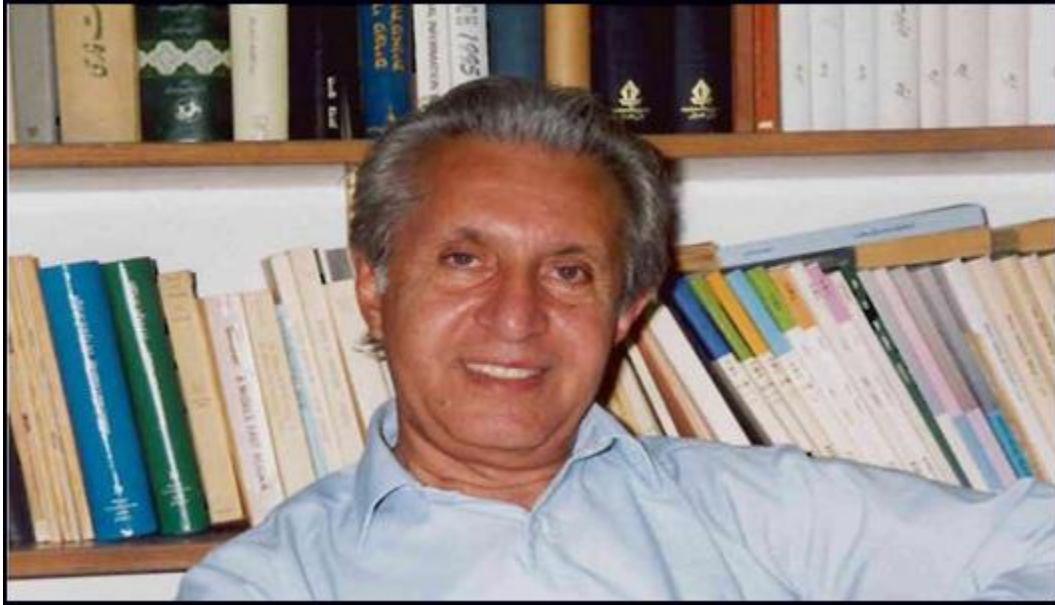


بخش سوم

اماکن مقدس یهودی

در ایران زمین



پروفسور نتصر در این بخش از کتاب
به شرح اماکن مقدس یهودی
در خاک ایران می پردازد
که شمار آن ها در خارج از خاک
اسرائیل بی نظیر است

گفت و گوی دوازدهم

آیا مسجد چهار انبیاء، آرامگاه اصحاب سه گانه دانیال نبی است



مسجد چهار انبیاء و بقعه پیغمبریه که از مهمترین اماکن قزوین است

پرسش - شما در گفت و گوی پیشین از جمله گفتید که در داخل زیارتگاه حضرت دانیال در شهر شوش نوشتاری وجود دارد که به نقل از حضرت علی (ع) می گوید "هر کس که به زیارت آرامگاه دانیال نبی برادرم بیاید، همانند آن است که به زیارت من آمده باشد". یعنی بر حسب این حدیث، حضرت علی (ع) دانیال نبی را "برادر من" لقب می دهد که تصور می کنم چنین امری در روابط بین ادیان بی سابقه است. به موازات آن مکان دیگری در شهر قزوین وجود دارد که آن را به یاران دانیال نبی نسبت می دهند. لطف کنید و ما را راهنمایی بفرمائید.

پاسخ - بله، آن چه که در مورد اهمیت آرامگاه دانیال نبی گفتید کاملا درست است. و اما در مورد قزوین: در خود کتاب دانیال سخن از سه تن از یاران او می رود که حَنَنیا ، عَزْرِیا و میشائل (חַנְנִיָּה, עֲזַרְיָה, מִשְׁאֵל Hanania, Azariah, Mishael) نام داشته اند. من در گفت و گوهای پیشین وارد مباحث مطرح شده در صحیفه دانیال نشدم زیرا می خواستم

که سخن من در محدوده شناساندن آرامگاه او باشد - زیرا موضوع بحث ما اماکن مقدس یهودی در ایران است.

اما، همان گونه که در صحیفه دانیال آمده، وی را در گنم پلنگان و شیران می اندازند که ظاهراً ممکن بود در یک لحظه او را پاره پاره کنند. ولی آن جانوران درنده در کنار دانیال می آرمند و کوچکترین آسیبی به او نمی رسانند. این داستان در کتب اسلامی نیز بازتاب یافته و درباره آن مطالبی نگاشته شده است. برای نمونه می توان به "قصص الانبیاء" نوشته الثعلبی رجوع کرد که به عربی نگاشته شده، و یا "قصص الانبیاء" نیشابوری را مطالعه بفرمائید که به زبان فارسی نوشته شده است.

بیشتر روایاتی که درباره انبیای یهود موجود است، در کتب عربی و حتی در کتاب های دوران کلاسیک ایران نیز بازتاب یافته است. طبری نیز در کتاب تاریخ خود به داستان های زیادی درباره انبیای یهود اشاره می کند. و اما درباره یاران سه گانه حضرت دانیال که نام آن ها را بردیم، در شهر قزوین مسجدی وجود دارد که "مسجد چهار انبیاء" نامیده می شود و یهودیان بر این باورند که آن مکان مقبره آن سه تن از اصحاب حضرت دانیال نبی است.

هنگامی که از متولی و یا از اطرافیان پرسیده می شود که این مسجد متعلق به چه کسی است، آن ها به چهار تن از انبیاء اشاره می کنند و اسم هائی را می آورند که هیچ یک شباهتی به سه اسم ذکر شده ما (حننیا، عزریا و میثائل) ندارد. این اسامی حتی به نام مقدسین اسلامی نیز شباهتی ندارد.

این مسجد در خیابانی موسوم به "پیغمبریه" قرار گرفته و اسامی انبیای چهارگانه "سلام" و "سلوم" و "سهولنی" و "القیا" ذکر گردیده که به باور برخی مسلمانان، در دوران غیبت اصحاب کهف به گسترش خداپرستی پرداختند. هر سال گروه زیادی از این مسجد دیدن می کنند.

باید تاکید کنم که شهر قزوین در دورانی از تاریخ ایران زمین، یکی از پرجمعیت ترین شهرهای یهودی نشین بوده است. قزوین نخستین پایتخت شاه عباس اول بود.

در این جا به یاد مطلبی می افتم که ظاهراً با موضوع مورد بحث ما ارتباطی ندارد. ولی اجازه دهید این مطلب را نیز درباره قزوین بگویم که اجداد حاج ابراهیم کلانتر که سرکار آورنده سلسله قاجاریه در ایران محسوب می شود، یهودی بودند که از قزوین به شیراز آمدند و اکثر خانواده هائی که قوامی و قوام الدوله نامیده می شوند (با قوام السلطنه اشتباه گرفته نشود) از خاندان حاج ابراهیم کلانتر از قزوین بوده اند.

من شنیده ام که اجداد محمد علی فروغی نیز از قزوین آمده بودند. فروغی در دوران رضاشاه چند بار مقام نخست وزیری را به دست گرفت و آخرین نخست وزیر دوره رضا شاه بود - یعنی حول و حوش شهریورماه ۱۳۲۰ خورشیدی (برابر اوت ۱۹۴۱ میلادی) که متفقین خاک ایران را مورد حمله قرار دادند. تا پیش از آن فروغی به دستور

رضا شاه خانه نشین شده بود، ولی با وقوع این حمله، شاه او را دوباره به نخست وزیری منصوب کرد و فروغی واقعا ایران را در آن مراحل بحرانی نجات داد.

موضوع دیگری در ارتباط با یهودیان قزوین، به دوره نادرشاه مربوط می شود که دستور می دهد شمار زیادی از یهودیان قزوین و گیلان و دیلمان را به کلات نادری منتقل سازند تا از اشیاء قیمتی و غنائمی که از هندوستان آورده بود در خزانه هائی که به همین منظور برپا ساخته بود نگاهداری کنند. این خود نشان می دهد که چه جمعیت انبوهی از یهودیان در قزوین می زیسته اند که به مرور زمان شمار آنان کاهش می یابد و به حدی می رسد که امروز بعید می نماید که حتی یک یهودی در قزوین زندگی می کند.

پرسش - آیا مسجد چهار انبیاء زیارتگاه نیز هست و یهودیان نیز به زیارت آن می روند؟

پاسخ - بله، این مکان زیارتگاه نیز هست، ولی من آگاهی ندارم که آیا یهودیان نیز به زیارت آن می روند یا خیر. شاید یهودیانی که در سفر به شهرهای دیگر ایران، از قزوین می گذرند و از وجود این مکان آگاهی دارند، علاقمند به زیارت از آن باشند. همچنین نمی توان قاطعانه گفت که این مکان متعلق به یهودیان بوده است.

مطالبی که من می گویم، نباید غیرعادی و یا شگفت انگیز تلقی شود. توجه داشته باشید که اعراب به ایران حمله کردند و در سال ۶۳۶ میلادی به نهاوند رسیدند و در سال ۶۴۱ اصفهان را اشغال کردند و حدود سال ۶۵۰ بود که سراسر ایران با سرعت سرسام آوری به تصرف آنان در آمد. در آن دوران جمعیت ایران را چه کسانی تشکیل می دادند؟ در وهله نخست زرتشتیان بودند و پس از آنان اقلیت بزرگ یهودی قرار داشت و مسیحیان نیز در آن سرزمین زندگی می کردند که شمار آنان بسیار کمتر بود.

در آن دوران شمار یهودیان به طور نسبی بسیار زیاد بود. به عنوان مثال اگر به آثار جغرافی دانان دوران صدر اسلام مانند اصطخری و مقدسی و دیگران رجوع کنید می بینید که آن ها هم می نویسند که خاک ایران شامل شمار زیادی یهودی بوده است و مخصوصا در دو استان امروزی فارس و خوزستان و جبال (که شامل اصفهان و گلپایگان و بروجرد و خوانسار و اطراف آن می شود) زندگی می کرده اند.

طبیعی است که وقتی یهودیان در مکانی رحل اقامت می افکنند، یکی از نخستین اقدامات آن ها احداث کنیسا است تا بتوانند به نیایش و اجرای آئین دینی خویش بپردازند. این یکی از واجبات دین است که هارامبام اندیشمند بزرگ یهود آن را مورد تاکید قرار می دهد و می نویسد که اگر در مکانی ده نفر یهودی یا بیشتر زندگی می کنند، باید به احداث کنیسا بپردازند. بنابراین می توان گفت که در ایران پیش از اسلام، در عین حال که آتشکده های زیاد برپا بوده، شمار بسیاری نیز کنیسا وجود داشته که به زبان فارسی آن را "کِنِشت" می خوانند.

با توجه به این واقعیت، هنگامی که نام مکانی را "مسجد چهار انبیاء" می گذارند که نام های آن ها هیچ شباهتی به اسامی اسلامی ندارد، گمان آن است که بیشتر آن مکان کنیسا بوده و باور می شود که سه تن از اصحاب دانیال در آن جا مدفون بوده اند. اصولاً در اسلام انبیای زیادی وجود ندارند و همین طور در دین زرتشت نیز شمار انبیاء زیاد نیست. گمان قوی آن است که سخن از مقدسین یهودی بوده است. بیهوده نیست که در حافظه تاریخی یهودیان سنن و آئین معینی نگاهداری می شود.

توجه کنید که دانیال در ایران بوده و در همین سرزمین نیز چشم از جهان فرو بسته است. پس یاران سه گانه او به کجا رفته اند؟ بی تردید آنان نیز در نقطه ای از ایران دار فانی را وداع گفته و به خاک سپرده شده اند. از این رو من سنت یهودیان را قبول دارم که مسجد چهار انبیاء در قزوین، همان مکان مقدسی است که ابتدای آن با یهودیان و اصحاب سه گانه دانیال ارتباط داشته و به مرور زمان که جمعیت یهودی قزوین رو به تحلیل رفته، و حتی اثری از ساکنان یهودی قزوین باقی نمانده، این موضوع به تدریج از حافظه عام پاک شده است.

ولی پژوهشگران و آنانی که در تاریخ یهود و زرتشت و اسلام تبحر دارند، به خوبی می دانند که در ایران جایگاه هائی وجود دارد که بیشتر آتشکده بوده و بعد به مسجد مبدل شده است و یا کنیسا بوده و آن را به مسجد تبدیل کرده اند.

یک نمونه دیگر بیاورم: چنین گفته می شود که مسجد جامع کنونی یزد به روی یک کنیسا و یا در محل یک کنیسای قدیمی ساخته شده است. همین گمان در مورد مسجد جامع توخچی در نزدیکی جویباره اصفهان محله یهودیان اصفهان عنوان می شود و یهودیان بر این باورند که آن جا در گذشته کنیسا بوده است.

در دهکده های دور و بر اصفهان، مانند زفره و ورتور و سده (که در دوران پهلوی همایون شهر نام گرفت ولی بعدها نام آن دوباره عوض شد) و اماکن دیگر حومه اصفهان شمار زیادی یهودی در گذشته دور زندگی می کرده اند. در شهرهائی مانند کاشان و بیدگل و ابیانه و نقاط دیگر نیز یهودیان زیادی سکونت داشته اند.

به مرور زمان اکثر این یهودیان مسلمان شدند - همانگونه که شمار بسیار زیادی از زرتشتیان ایران نیز به دین اسلام گرویدند و تنها در شهرهای یزد و اصفهان و کرمان بود که تعداد قابل توجهی زرتشتی باقی ماندند و آنانی که نمی خواستند مسلمان شوند به هندوستان گریختند و در گجیرات (Gujarat) ساکن شدند.

من این جا کاری ندارم که چرا افراد دین خود را به اختیار خویش و یا بالاجبار عوض کرده اند، بلکه هدفم عکس برداری از یک دوره تاریخی و عرضه کردن آن است و قصد داوری ندارم. هدف من بیان رویدادها و یافتن علل و ریشه هاست.

مقصود من از بیان این مطالب آن است که توضیح دهم چگونه شماری از کلیساهای یهودی به عبادتگاه های اسلامی مبدل گردید، همان گونه که اعراب در بسیاری دیگر از نقاط جهان، هر محلی را که گرفتند، اماکن دینی و نیایشگاه های موجود را به مساجد اسلامی مبدل کردند. در ایران نیز در کنار کلیساهای و آتشکده های زرتشتی که به مسجد مبدل شده، شماری از کلیساهای مسیحیان نیز وجود داشته که آن ها را هم مسجد کرده اند.

امروز حتی به شهری مثل لندن بروید که در آن جا کلیساهای زیادی وجود دارد که چون از تعداد باورمندان مسیحی به تدریج کاسته شده و این کلیساهای خالی مانده، اعراب برخی از آن ها را خریده و تبدیل به مسجد کرده اند.

در تعریف از اسلام باید به این نکته اشاره کنیم که آنان یهودیان را به عنوان "اهل الکتاب" پذیرفتند و به آنان عنوان "اهل الذمه" دادند، که گرچه شهروندان درجه دو محسوب می شوند و باید مالیات ویژه بپردازند، ولی آن ها را کشتار نکردند. دست کم در مورد صدر اسلام می توان گفت که یهودیان روی هم رفته زیاد هدف آزار و اذیت قرار نگرفته اند.

البته در برخی نقاط آزار وجود داشت ولی در بعضی مناطق آنان را آزار نکردند. اما به مرور زمان، به استثنای دوره ایلخانیان که صدراعظم او یهودی بود و سعدالدوله نامیده می شد، در نزدیکی زمان حمله تیمور لنگ و در همه دوره های سلسله صفویان منهای سلطان صفی اذیت و آزار علیه یهودیان بسیار رواج داشت.